

بررسی نقش امنیت تصرف ادراکی در کیفیت کالبدی مسکن در سکونتگاه‌های غیررسمی شمال کلانشهر تبریز مطالعه موردی: محله یوسف‌آباد

هادی حکیمی^۱

رحیم حیدری چپانه^۲

سودا بالالکه^۳

چکیده

امروزه سکونتگاه‌های غیررسمی و نبود امنیت تصرف در آن‌ها توجه بسیاری از اندیشمندان را به خود جلب کرده است تا آنجا که سازمان اسکان بشر از نبود امنیت تصرف در مسکن غیررسمی به عنوان شاخص محرومیت یاد کرده است. امنیت تصرف یکی از مهم‌ترین مسائلی است که سکونتگاه‌های غیررسمی با آن مواجه هستند. موضوع تحقیق پیش رو، تحلیل نقش امنیت تصرف در کیفیت کالبدی مسکن در محله یوسف‌آباد، یکی از مراکز اسکان غیررسمی کلانشهر تبریز، است که در محدوده منطقه یک شهر تبریز قرار گرفته است. هدف از انجام این تحقیق بررسی میزان امنیت تصرف ادراکی و رابطه امنیت تصرف ادراکی و کیفیت کالبدی مسکن در محدوده مورد مطالعه می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است و در آن از روش پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. جامعه آماری در این مطالعه ساکنان محله اسکان غیررسمی یوسف‌آباد تبریز می‌باشد که شیوه نمونه‌گیری احتمالی ساده بوده و برای محاسبه حجم نمونه از فرمول "شارل کوکران" استفاده شده است و حجم نمونه با توجه به این فرمول ۳۷۳ است و برای تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزار SPSS.25 استفاده شده است. نتایج تحقیق بیانگر این است که میزان امنیت تصرف ادراکی در محله مورد مطالعه در سطح پایینی قرار دارد و شاخص احتمال تخلیه در هر لحظه از عوامل اصلی در کاهش امنیت تصرف ادراکی در محله یوسف‌آباد است و میان امنیت تصرف ادراکی و کیفیت کالبدی مسکن رابطه مثبت و معناداری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: مسکن، سکونتگاه غیررسمی، امنیت تصرف ادراکی، کیفیت کالبدی، یوسف‌آباد تبریز

مقدمه

کلان‌شهرها در کشورهای در حال توسعه در حال تغییر به مراکز با تراکم جمعیت بالا، زیرساختها، سرمایه گذاریها، فرصت‌های رشد اقتصادی و شبکه اطلاعات می‌باشند. به موازات افزایش جمعیت شهرنشین همواره مسائل و مشکلات جدیدی در اینگونه جوامع مطرح می‌شود که از مهم‌ترین آن‌ها مسئله مسکن می‌باشد (اصغری زمانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۶). مسکن یکی از مسائل حاد کشورهای در حال توسعه است (پورمحمدی، ۱۳۹۲: ۱). در این میان خانوارهای کم‌درآمد بالاخص از آن جهت که در اغلب برنامه‌های ملی و محلی فراموش شده‌اند از تنگناهای بیشتری رنج می‌برند. افشار کم‌درآمد برای تهیه مسکن در شهرها از اولین مرحله یعنی انتخاب محل سکونت تا انتخاب وسعت و اندازه مسکن خود، نوع مصالح ساختمانی و کسب مجوز ساخت و ساز و همچنین استفاده از اعتبارات و وام‌های دولتی با مشکل مواجه هستند. بنابراین این افشار چاره‌ای جز روی آوردن به بازار غیررسمی مسکن ندارند و با قبول انگ حاشیه‌نشینی به

^۱. استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشکده برنامه ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز

^۲. دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده برنامه ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز

^۳. کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)

سکونتگاه‌های غیررسمی و خارج از برنامه قانونی روی می‌آورند (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۸۵:۱۳۰). اسکان غیررسمی، عامل برجسته و غالب در شهرنشینی و تهیه مسکن برای فقرای شهری است (طیبیان و همکاران، ۲۰۰۸:۱۳۹۶). سکونتگاه‌های غیررسمی، حاشیه‌ای و به تعبیری فقیرنشین، به طور کلی ناحیه‌ای مسکونی در شهر است که توسط افراد فقیری که هیچ نوع دسترسی به زمینی که متعلق به خودشان باشد ندارند، اشغال شده است و از این رو، در زمین‌های خالی به صورت غیرمجاز ساکن می‌شوند (Srinivas, 2006:1). در این میان، فقدان امنیت تصرف یکی از چالش‌های اساسی در این سکونتگاه‌ها است. سازمان اسکان بشر در سال ۲۰۰۳ میلادی، امنیت تصرف را "قابلیت زندگی کردن در یک مکان بدون ترس از دست دادن آن مکان" تعریف کرده است (Un-Habitate, 2003:11). امنیت بخشی به تصرف برای همه ساکنان، مخصوصاً افرادی که با خطر تخلیه روبرو هستند ضروری و مفید است. از این روست که در رویکردهای جدید مانند توانمندسازی اجتماعات محلی، به تأمین امنیت تصرف توجه خاصی شده و تأکید گردیده که نهادهای قانونی، اداری، اقتصادی، سیاسی و مالی باید امنیت تصرف و سکونت را در این سکونتگاه‌ها ارتقا بخشند (Jenkins, 2001:630). در کلانشهر تبریز، اسکان غیررسمی یکی از مشکلات و معضلات شهری به شمار می‌رود که از سال ۱۳۴۰ به بعد، در کالبد شهر تبریز نمایان شد. این شیوه سکونت، در شهر تبریز با سرعت فزاینده‌ای افزایش می‌یابد. مساحت این نوع از سکونتگاه‌ها در تبریز ۴۰۰ هکتار با جمعیتی متجاوز از ۴۵۰ هزار نفر است (ملکی و همکاران، ۱۳۹۶:۸۹). یوسف‌آباد یکی از محله‌های شهر تبریز می‌باشد که در شمال کلانشهر تبریز و در منطقه ۱ شهرداری تبریز، واقع شده است و جزء محله‌های اسکان غیررسمی می‌باشد. در این پژوهش سعی بر این است تا نقش امنیت تصرف ادراکی بر کیفیت کالبدی مسکن موجود، مورد بررسی و سنجش قرار گیرد.

پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌هایی در رابطه با اسکان غیررسمی و نقش امنیت تصرف بر کیفیت کالبدی مسکن در سکونتگاه‌های غیررسمی انجام گرفته است که در حوزه پژوهش‌های اسنادی و میدانی آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

دی سوزا^۱ (۱۹۹۹) در تحقیقی با عنوان امنیت تصرف و بهبود مسکن در رسیف برزیل سطح امنیت تصرف زمین در پنج شهرک از گروه‌های کم‌درآمد را مورد بررسی قرار داده است. که تصاویر کلی، شواهدی ضعیف از تاثیر سطح بالای امنیت تصرف در بهبود فیزیکی مسکن را نشان می‌دهد.

وان گلدرا^۲ (۲۰۰۷) پژوهشی با عنوان رابطه بین امنیت تصرف ادراکی و بهبود مسکن در محله غیررسمی در بوینس آیرس آرژانتین ارائه داده است. در این تحقیق امنیت تصرف ادراکی با دو شاخص، احتمال اخراج و ترس از اخراج بررسی شده است. جامعه آماری تحقیق، ۱۳۵ خانوار که حداقل پنج سال قبل از انجام تحقیق در آن محل ساکن بودند، می‌باشند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که امنیت تصرف ادراکی یک متغیر موثر بر بهبود مسکن فردی است و ترس از اخراج نسبت به احتمال اخراج عامل تعیین کننده است.

لوک^۳ (۲۰۱۱) در تحقیقی که با عنوان رابطه امنیت تصرف ادراکی و کیفیت مسکن ارائه کرده به رابطه معناداری بین کیفیت مسکن و امنیت تصرف پی برده است و به این نتیجه دست یافته که سیاست‌هایی مانند تخلیه اجباری که امنیت تصرف ساکنان را به خطر می‌اندازد، در جلوگیری از رشد مسکن غیررسمی در فیجی نتیجه عکس داشته است.

ناکامورا^۴ (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان آیا رسمی‌سازی زاغه‌ها بدون سند، موجب بهبود وضعیت مسکن می‌شود؟، در نواحی فقیرنشین شهر پونه به این نتیجه می‌رسد که به منظور ارتقای حس امنیت تصرف می‌بایست در کنار ابزارهای قانونی از ابزارهای عرفی یا فراقانونی

¹ De Souza

² Van Gelder

³ Luke

⁴ Nakamura



نیز استفاده کرد. بهبود کیفیت زندگی و افزایش دسترسی به زیرساختها و خدمات شهری موجب ارتقا امنیت تصرف در میان ساکنان پونه شده و بر میزان انگیزه آنها برای سرمایه‌گذاری در مسکن و بهبود شرایط فیزیکی فعلی آن افزوده است.

حبیب نجاتی هریس (۱۳۸۵) پژوهشی با عنوان بهبود کیفیت زیست در اسکان‌های غیررسمی با استفاده از راهبرد توانمندسازی اجتماعات محلی را در محله خلیل آباد تبریز ارائه کرده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میان متغیرهای میزان مشارکت ساکنان با دولت و شهرداری و شرکت در فعالیت‌های عمومی و نوع مالکیت خانوارهای محله خلیل آباد رابطه مثبت معناداری وجود ندارد.

داداش‌پور و علیزاده (۱۳۸۹) تحقیقی با عنوان رابطه بین امنیت تصرف و کیفیت مسکن در سکونتگاه‌های غیررسمی اسلام‌آباد شهر تهران را ارائه کردند. عوامل ترس از تخلیه، احتمال تخلیه و نبود شبکه‌های حمایتی متغیرهای اصلی تحقیق هستند. روش تحقیق پیمایشی بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد بین امنیت تصرف و کیفیت مسکن رابطه مستقیمی وجود دارد و عامل اصلی در کاهش امنیت تصرف فقدان شبکه‌های حمایتی می‌باشد.

زنگنه و حسین آبادی (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان تحلیلی بر امنیت ادراکی تصرف و نقش آن در توانمندسازی و کیفیت مسکن سکونتگاه‌های غیررسمی، در محله قلعه نو دهرز سبزوار ارائه کردند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مؤلفه امنیت در مقابل تخلیه اجباری در این محله بالاست، اما مؤلفه عدم نگرانی از عملکرد نهادهای مسئول در خدمات رسانی به محله در حد پایینی است و بین مؤلفه‌های امنیت ادراکی تصرف و کیفیت مسکن و توانمندسازی رابطه معناداری وجود دارد.

منوچهر طبیبیان و همکاران (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان تحلیلی بر رابطه میان امنیت تصرف و میزان سرمایه‌گذاری در مسکن در سکونتگاه‌های غیررسمی، در محله کشتارگاه شهر ارومیه ارائه کردند. نتایج تحقیق بیانگر این است که میان سرمایه‌گذاری در مسکن و امنیت تصرف رابطه مستقیم وجود دارد و عوامل امنیت تصرف عرفی و ادراکی بیشترین تأثیر را بر سرمایه‌گذاری در مسکن دارند.

سوالات تحقیق

بر پایه مسئله طرح شده در پژوهش، این سوالات مطرح شد که "امنیت تصرف ادراکی در محله یوسف‌آباد در چه سطحی است؟" و "آیا بین امنیت تصرف ادراکی و کیفیت کالبدی مسکن ساکنین محله یوسف‌آباد رابطه معناداری وجود دارد؟"

مبانی نظری

سکونتگاه غیررسمی

از پدیده‌های عمده ناپایدارکننده شهری به ویژه در کشورهای در حال توسعه، گونه‌ای شهرنشینی با مشکلات حاد موسوم به اسکان غیررسمی است (غضنفرپور و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۲). اسکان غیررسمی حاصل پیشی گرفتن فرایند شهرنشینی و افزایش جمعیت شهری است. به این مفهوم که سازمان‌ها و نهادهای مسئول فاقد ظرفیت یا توان کافی برای برنامه‌ریزی و تامین زمین و مسکن همچنین ارائه خدمات به جمعیت شهری است. به این ترتیب با دور شدن از شهر اصلی تمرکز سکونتگاه‌های رسمی کمتر می‌شود و هر اندازه اقتدار سیستم مدیریتی و تعهد به کنترل و نظارت بر ساخت و ساز کاهش یابد امکان گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی بیشتر می‌شود. سکونتگاه‌های غیررسمی و نابسامان در واقع شکلی از تجمع مکانی و اسکان گروه‌های کم‌درآمد، اغلب مهاجر در نقاط آسیب‌پذیر است که به صورت خودرو و بدون مجوز رسمی از نهادهای قانونی ایجاد می‌گردند. بر اساس مطالعات سازمان ملل، سکونتگاه‌های غیررسمی چالش اصلی شهرنشینی در هزاره سوم خواهد بود. این مطالعات تاکید می‌کنند که سکونتگاه‌های غیررسمی دیگر یک مقوله جمعیت‌شناسی شهری صرف نیست، بلکه پدیده‌ای اقتصادی اجتماعی است و در برنامه‌های توسعه باید به عنوان یک هدف اصلی بدان نگریست (Akhter, 2004: 2). اسکان غیررسمی در جهان فراگیر است و خاص کشورهای مشخصی نیست و نه تنها در کشورهای جنوب، بلکه در کشورهای شمالی هم می‌توان نمونه‌های متعدد، اما متفاوت از هم را پیدا کرد. با توجه به آخرین تحقیقات انجام شده (UN-HABITAT) در سال ۲۰۱۲ در گزارش اهداف توسعه هزاره از دبیر کل سازمان ملل، سهم ساکنان زاغه‌های شهری در جهان در حال

توسعه ۳۳ درصد بوده است. ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه با مسئله اسکان غیررسمی مواجه است. منشأ و روند شکل گیری سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران همانند کشورهای جنوب بوده ولی به طور مقایسه‌ای از شدت و وحدت یکسانی برخوردار نیست (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۸).

دیدگاه‌های مربوط به اسکان غیررسمی

دیدگاه لیبرالیسم

در دیدگاه لیبرال حاشیه‌نشینی به مثابه معلول عوامل داخلی در کشورهای جهان سوم تلقی می‌گردد و در جهت گذار از جامعه سنتی به جامعه صنعتی، خود به عنوان نوعی ضرورت در فرایند این تحول قلمداد می‌شود (غضنفرپور و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۳). این دیدگاه با آنکه به برخی از ابعاد حاشیه‌نشینی توجه دارد، اما تحلیل ریشه‌ای از مسئله بدست نمی‌دهد و بیشتر به بعضی جنبه‌های اجتماعی، فیزیکی و اقتصادی حاشیه‌نشینی تاکید دارد (حاج یوسفی، ۱۳۸۲). در این دیدگاه پیدایش سکونتگاه‌های غیررسمی فرآیندی طبیعی تلقی می‌شود. در نتیجه عمق مسئله یعنی شکاف طبقاتی و فقر نتیجه قهری سرمایه‌داری و به ویژه در عصر انحصاری شده و جهانی‌سازی مورد توجه قرار نمی‌گیرند، چون در دیدگاه لیبرالی نظام سرمایه‌داری بهترین الگوی ممکن تلقی می‌شود (صنوبری، ۱۳۹۷: ۳۸).

دیدگاه اقتصاد سیاسی

در این دیدگاه تاکید عمده به رابطه میان سیاست، اقتصاد و به ویژه نقش قدرت در تصمیم‌گیری‌ها و توزیع منابع بود. در این رویکرد به طور کلی قطب‌های قدرت سیاسی، قطب‌های قدرت سرمایه و قدرت اقتصادی نیز هستند که محل آن بزرگترین شهر ناحیه و کشور است. از این رو انباشت سرمایه در شهر باعث جذب مهاجران از نقاط محروم به شهر می‌گردد، شهر نیز از طریق پایین نگه داشتن سطح دستمزدها و افزایش تصاعدی قیمت‌ها حلقه محرومیت را بر این قشر فاقد حامی تنگ‌تر کرده و بر شدت فقرشان می‌افزاید و آنها را به زندگی حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی وا می‌دارد (بالازاده، ۱۳۹۶: ۴۴).

مفهوم مسکن

مسکن به عنوان کوچکترین عنصر سکونتگاه بشر زاینده مهم‌ترین نیاز انسان‌ها و به وجود آورنده یکی از پدیده‌های جغرافیایی هر منطقه به شمار می‌رود. در شکل‌گیری انواع مسکن در کنار عوامل نژادی، تاریخی، روانی، عوامل جغرافیایی نیز که از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت است نقش عمده‌ای دارد (سرایبی، ۱۳۹۱: ۲۷). مسکن مجموعه‌ای از تسهیلات است که به منظور ارائه خدمات فشرده در مکان فیزیکی خاصی قرار دارد و معنی این واژه با توجه به گوناگونی شرایط اجتماعی و اقتصادی و خانوادگی تغییر می‌کند. بر اساس این تعریف مسکن در مفهوم محیطی‌اش نه به عنوان سرپناه بلکه همانند وسیله‌ای در نظر گرفته شده بود که بایستی معیاری‌های اساسی لازم برای پیوند بین زندگی خانواده و محیط را داشته باشد (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۲۷).

شاخص‌های کیفیت کالبدی مسکن

شاخص‌های کیفیت کالبدی مسکن به شرح زیر هستند:

۱ - اسکلت بنا و نوع مصالح: از جمله شاخص‌های کالبدی مسکن که نمود بیرونی و عینی دارد، نوع مصالح مورد استفاده و شیوه‌های ساخت است. یکی از عناصر عمده در ساخت مسکن، آگاهی از وضعیت واحدهای مسکونی و کیفیت مصالح ساختمانی به کاررفته در این واحدها است (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۸). مصالحی که در ساخت ابنیه به کار می‌روند عبارتند از: خشت و گل، آجر و چوب، آجر و آهن، بتن و تیرآهن. هر یک از این مصالح می‌توانند پایداری متفاوتی را در برابر حوادث طبیعی یا انسانی در اسکلت بناها به وجود آورند (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰۶).

۲ - پوشش ابنیه: جنس سقف بناها عمدتاً از ترکیب مصالحی چون خشت و گل، خشت و چوب، آجر و چوب، آجر و آهن و تیرچه بلوک است که بیانگر طیفی از مقاومت و پایداری است (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰۶).

۳ - سطح زیربنا: هرچه زیربنای ساختمان کمتر باشد و نتواند سرانه استاندارد در جهت سکونت هر فرد را تعیین کند، کیفیت کالبدی بنا کاهش می‌یابد (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰۶).

امنیت تصرف

سازمان اسکان بشر در سال ۲۰۰۳ میلادی، امنیت تصرف را "قابلیت زندگی کردن در یک مکان بدون ترس از دست دادن آن مکان" معنا کرده است (UN-Habitat, 2003:11). رویکردهایی توسط سازمان‌های جهانی مانند بانک جهانی و سازمان اسکان بشر برای ارتقاء امنیت تصرف در اکثر کشورهای جهان پیشنهاد شد. رویکردهای تأمین حق تصرف در اسکان‌های غیررسمی را بر اساس دوره‌های زمانی میتوان در دو گروه سنتی و نوین طبقه بندی کرد (سجادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۸):

رویکردهای سنتی: رویکردهای سنتی تأمین حق سکونت در اسکان‌های غیررسمی از نتایج مطالعات دسوتو در کشور پرو تأثیر زیادی گرفته است. این رویکرد راه حل کاهش ناامنی تصرف در اسکانهای غیررسمی را در شرایط قانونی آنها می‌داند. برنامه‌های پیشنهادی آن، ارائه سند مالکیت قانونی و ارائه وام‌های رهنی برای کسب سند مالکیت و ارتقاء کیفیت مسکن می‌باشد. این رویکرد بنا به مبانی فلسفی خود، به مسئله امنیت تصرف دیدگاهی از بالا به پایین دارد و امنیت تصرف را بیشتر از بعد قانونی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و در برنامه‌ها و سیاست‌های اجرایی خود هیچ توجهی به سیستم‌های عرفی و غیررسمی رایج در اسکان‌های غیررسمی نمی‌کند. (کریمی و دیگران، ۱۳۹۳: ۵).

رویکردهای نوین: مطالعات اخیر نشان داده است که برای ساکنان سکونتگاه‌های فقیر شهری، ابعاد دیگری از امنیت (زمین) همانند دسترسی به خدمات اجتماعی پایه، فرصت‌های شغلی و قوانین عادلانه، بسیار مهم‌تر از کسب سند مالکیت می‌باشد. با این حال، امنیت تصرف در اکثر کشورهای در حال توسعه، بیشتر با وجود و عدم وجود سند شخصی مورد شناسایی قرار می‌گیرد. در رویکردهای نوین، علاوه بر سیستم‌های تصرف قانونی، به سیستم‌های تصرف عرفی و نیمه قانونی نیز توجه می‌شود. در گرایش‌های سیاسی جدید از دخالت مستقیم در امر تصرف اجتناب کرده و از "ابزارهای میانجیگری" از جمله مصوبات و راهبردهای زمین استفاده می‌کنند. این ابزارها جزء روش‌های ارزان و امکان‌پذیر در افزایش امنیت تصرف زمین به حساب می‌آیند. ابزارهای میانجی باعث افزایش امنیت ادراکی در میان فقرای شهری شده و با کنترل قیمت زمین، منجر به افزایش امنیت تصرف در سکونتگاه‌های غیررسمی می‌شود (کریمی و دیگران، ۱۳۹۳: ۵).

ابعاد و شاخص‌های امنیت تصرف

امروزه امنیت تصرف از سه بعد قانونی، غیررسمی و ادراکی تعریف می‌شود که در ذیل درباره هر یک از آنها توضیحاتی ارائه می‌شود:

الف) امنیت تصرف قانونی: در این رویکرد امنیت تصرف زمین مساوی با کاهش نااطمینانی مالکیت زمین تعریف شده است. این رویکرد بر رسمی و غیررسمی بودن اسکان خانوار در سکونتگاه‌ها تأکید دارد و امنیت تصرف را همانند حقوق مالکیت در نظر می‌گیرد و ملاک سنجش آن، بود و نبود سند شخصی برای مسکن می‌باشد (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۴).

ب) امنیت تصرف غیررسمی: در این رویکرد، امنیت تصرف از طریق عوامل فراقانونی همچون میزان همبستگی سازمان‌های اجتماعی محل، اندازه سکونتگاه، حمایت‌های اشخاص سیاسی، مدت سکونت خانوارها در سکونتگاه‌ها ایجاد می‌شود. این نوع از امنیت تصرف حالت قانونی نداشته و با گذشت زمان در سکونتگاه‌های غیررسمی افزایش می‌یابد و با فراهم آمدن خدمات زیرساختی و سرشماری‌های انجام شده و هرگونه سندی که وجود اینگونه سکونتگاه‌ها را به رسمیت بشناسد، قدرت می‌گیرد (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۴).

ج) امنیت تصرف ادراکی: این نوع از امنیت تصرف حالت ذهنی داشته و مربوط به ادراک ساکنین از موقعیت تصرفی خود می‌باشد؛ یا به عبارت بهتر میزان امنیتی است که خانوارها از موقعیت تصرفی خود احساس می‌کنند. به گفته دوبلی^۱ "امنیت تصرف یک چیز ذهنی است و بیشتر متوجه درک ساکنان از موقعیت تصرفشان است". این نوع از امنیت به علت ذهنی بودنش در میان ساکنان محلات متفاوت می‌باشد. در واقع امنیت تصرف ادراکی زمین چیزی بیشتر و یا کمتر از تجربه اشخاص از موقعیت تصرفیشان نمی‌باشد (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۵-۳۴).

روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ روش، توصیفی - تحلیلی و از لحاظ هدف کاربردی است. به منظور جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات برای تجزیه و تحلیل، از پرسش‌نامه استفاده گردیده است که به صورت مستقیم در محدوده مورد مطالعه توزیع و کلیه داده‌ها به صورت پرسش‌نامه کاغذی جمع‌آوری شد. جامعه آماری در این مطالعه ساکنان محله اسکان غیررسمی یوسف‌آباد می‌باشد که شیوه نمونه‌گیری احتمالی ساده بوده و برای محاسبه حجم نمونه جهت پرکردن پرسش‌نامه از فرمول "شارل کوکران" استفاده شده است. حجم جمعیت آماری طبق آمار موجود در سال ۱۳۹۵ حدود ۱۳۰۲۶ نفر می‌باشد. بنابراین حجم نمونه با توجه به فرمول کوکران ۳۷۳ است. روش آماری مورد استفاده در این تحقیق از دو نوع آمار توصیفی و استنباطی می‌باشد و برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS.25 استفاده شده است. در سطح آمار توصیفی با به کار بردن مشخصه‌های آماری مانند درصد و فراوانی به رسم نمودارها و تحلیل اطلاعات پرداخته شده و در سطح استنباطی برای آزمودن فرضیه‌ها از آزمون t تک‌نمونه‌ای و آزمون کروسکال والیس استفاده شده است و از طریق آزمون فریدمن به اولویت‌بندی متغیرهای امنیت تصرف ادراکی پرداخته شده است. با توجه به هدف و پیشینه تحقیق برای تبیین موضوع امنیت تصرف ادراکی، از بین شاخص‌های متعدد، ۵ شاخص مطرح در نظریات اندیشمندان و محققان، به کار رفته‌اند که در جدول ۱ آمده است. همچنین در بخش مبانی نظری، به بیان شاخص‌های مسکن نیز پرداخته شد و شاخص‌های کیفیت کالبدی مسکن نیز که شامل مساحت سطح زیربنای مسکن، پوشش سقف ابنیه و نوع مصالح ساختمانی مسکن است، برای پژوهش انتخاب گردید.

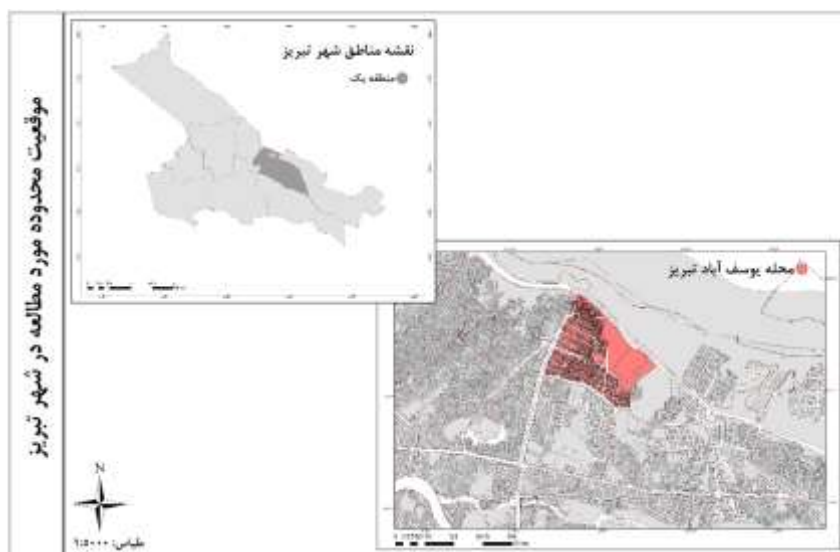
جدول ۱: شاخص‌های امنیت تصرف ادراکی بر اساس مطالعات محققین

محققین	شاخص‌ها
De Souza Van Gelder	احتمال تخلیه در هر لحظه نگرانی از بی‌خانمانی بعد از تخلیه
داداش پور و علیزاده	نگرانی از غیررسمی بودن محله نگرانی از احتمال تخلیه در ۵ سال آینده ترس از نارضایتی نهادهای عمومی و شهرداری از اسکان در محله

محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه در این پژوهش محله یوسف‌آباد شهر تبریز می‌باشد که در قسمت حاشیه شمالی کلانشهر تبریز واقع گردیده است. این محله در حد فاصل بین اتوبان پاسداران و کوه‌های عون بن علی از شمال و خیابان عباسی از جنوب و خیابان شهید رجایی (سیلاب قوشخانه) از غرب و خیابان شهید بهشتی از شرق محدود شده است. مساحت محله یوسف‌آباد ۲۴۸۶۱۰۱ مترمربع می‌باشد و بر اساس آمار و سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ جمعیت این محله از شهر، حدود ۱۳۰۲۶ نفر می‌باشد.

¹ Doebele



شکل ۱: نقشه موقعیت محدوده مورد مطالعه (منبع: نگارندگان)

تجزیه و تحلیل داده ها

یافته های توصیفی تحقیق

بر طبق داده‌های بدست آمده از طریق پرسش‌نامه از کل نمونه آماری، از نظر میزان تحصیلات بیشترین درصد پاسخگویان با ۲/۲۸ درصد دارای تحصیلات سیکل و کمترین با ۵/۰ درصد مربوط به دکتری می‌باشد. از نظر وضعیت اشتغال در حدود ۸/۳۰ درصد از پاسخگویان کارگر می‌باشند. بیشترین میزان مدت سکونت در محله با ۶/۴۵ درصد بالای ۱۰ سال است و ۱/۴۲ درصد افراد نیز طول مدت سکونت خود را در محله ۵ تا ۱۰ سال عنوان کرده اند. بیشتر افراد با ۶/۶۸ درصد در مسکن شخصی سکونت دارند که بالای ۹۰ درصد از آنها دارای سند قولنامه‌ای و فاقد سند رسمی هستند. در بررسی ویژگی‌های کالبدی محله مورد مطالعه، ۵/۳۷ درصد پاسخگویان مساحت سطح زیربنای مسکن خود را زیر ۵۰ مترمربع، ۵۹ درصد بین ۵۰ تا ۱۰۰ مترمربع و ۵/۳ درصد مساحت را بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ مترمربع بیان کرده‌اند که نوع مصالح ساختمانی استفاده شده در ۳/۷۲ درصد از آنها آجر و آهن و ۱/۷۹ درصد از مسکن نیز دارای پوشش سقف آجر و آهن هستند.

یافته‌های تحلیلی تحقیق

وضعیت شاخص امنیت تصرف ادراکی در محله یوسف‌آباد تبریز

برای سنجش سطح امنیت تصرف ادراکی ساکنین محله یوسف‌آباد، از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. با توجه به اینکه در طراحی سوالات پرسش‌نامه از طیف لیکرت که طیفی ۵ ارزشی است استفاده شده است؛ در تحلیل آماری نیز ۵ ارزش داده شده است. برای انجام آزمون t تک نمونه‌ای عدد ۳ به عنوان حد متوسط برای مقایسه وضعیت در نظر گرفته شده است.

جدول ۲: سطح امنیت تصرف ادراکی ساکنین محله یوسف‌آباد تبریز One-Sample Statistics

	N	Mean	Std.Deviation	Std.Error Mean
امنیت تصرف ادراکی	۳۷۳	۲/۲۰۸۰	۰/۳۰۵۰۳	۰/۰۱۵۷۹

One- Sample Test

	Test Value =3					
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
امنیت تصرف ادراکی	-۵۰/۱۴۴	۳۷۲	۰/۰۰۰	-۰/۷۹۱۹۶	-۰/۸۲۳۰	-۰/۷۶۰۹

بر طبق جدول ۲، احساس امنیت تصرف ادراکی ساکنین محله یوسف‌آباد پایین‌تر از حد متوسط است. میانگین به دست آمده برای این مولفه ۲/۲۰۸۰ است که پایین‌تر از حد متوسط (۳) می‌باشد. اختلاف میانگین منفی و سطح معناداری (sig=0/000)، کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بر این مبنای می‌توان گفت به صورت معناداری میزان امنیت تصرف ادراکی در جامعه مورد مطالعه بسیار پایین‌تر می‌باشد و بنابراین امنیت تصرف ادراکی در محله یوسف‌آباد در وضعیت مناسبی قرار ندارد.

برای رتبه‌بندی شاخص‌های تحقیق از آزمون فریدمن استفاده شده است. آزمون فریدمن یکسان بودن رتبه‌ها را بررسی می‌کند. فرضیه صفر در این آزمون بیان می‌کند که توزیع مشاهدات در سنجش‌های تکرار شده یکسان است. و اگر فرض صفر رد شود این نتیجه حاصل می‌شود که میانگین رتبه‌ها یکسان نیست.

جدول ۴: اولویت‌بندی شاخص‌های امنیت ادراکی

شاخص	میانگین رتبه‌ها
احتمال تخلیه در هر لحظه	۴/۶۹
نگرانی از بی‌خانمانی بعد از تخلیه	۱/۶۷
نگرانی از غیررسمی بودن محله	۱/۹۱
نگرانی از احتمال تخلیه در ۵ سال آینده	۴/۰۶
ترس از نارضایتی نهادهای عمومی و شهرداری از اسکان در محله	۲/۶۷

جدول ۳: آماره آزمون فریدمن

N	۳۷۲
کای اسکوتر	۱۱۰۸/۴۴۲
درجه آزادی	۴
فرض معناداری	۰/۰۰۰

جدول ۳ به ترتیب تعداد داده‌ها، مقدار آماره کای اسکوتر، درجه آزادی و Sig را ارائه می‌کند. به دلیل این که Sig کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر رد شده و ادعای یکسان بودن اثرات شاخص‌های تحقیق پذیرفته نمی‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت که میانگین رتبه‌های به دست آمده از آزمون فریدمن صحیح است. جدول ۴ میانگین رتبه‌های شاخص‌های تحقیق را نشان می‌دهد. بر طبق این آزمون شاخص احتمال تخلیه در هر لحظه با میانگین ۴/۶۹ در رتبه اول و شاخص نگرانی از بی‌خانمانی بعد از تخلیه با میانگین ۱/۶۷ در رتبه پنجم و آخر قرار دارد.

بررسی رابطه بین امنیت تصرف و کیفیت کالبدی مسکن

به منظور بررسی رابطه بین امنیت تصرف ادراکی و کیفیت کالبدی مسکن در محدوده مورد مطالعه، از آزمون کروسکال والیس در نرم افزار SPSS استفاده شده است. این فرضیه متشکل از ۳ متغیر بود و برای کیفیت کالبدی مسکن، ۳ شاخص مساحت سطح زیربنای مسکن، نوع مصالح ساختمانی مسکن و نوع پوشش سقف مسکن مورد بحث قرار گرفت.



جدول ۵: نتایج حاصل از آزمون کروسکال والیس

Test Statistics ^{a,b}			
	مساحت سطح زیربنای مسکن	نوع مصالح ساختمانی مسکن	نوع پوشش سقف مسکن
Kruskal-Wallis H	۱۷/۴۴۷	۱۳/۲۸۸	۴/۱۷۳
df	۲	۴	۳
Asymp. Sig.	۰/۰۰۰	۰/۰۱	۰/۲۴

بر طبق نتایج حاصل از آزمون کروسکال والیس (جدول ۵) برای هر یک از شاخص‌ها، بین امنیت تصرف ادراکی و مساحت سطح زیربنای مسکن و بین امنیت تصرف ادراکی و نوع مصالح ساختمانی مسکن رابطه معناداری وجود دارد اما بین نوع پوشش سقف مسکن و امنیت تصرف ادراکی در محله یوسف‌آباد با توجه به سطح معناداری ۰/۲۴ رابطه معناداری وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش بر آن بود که نقش امنیت تصرف ادراکی را در کیفیت کالبدی مسکن سکونتگاه‌های غیررسمی در محله یوسف‌آباد تبریز را بررسی کند. جهت انجام این بررسی، برای امنیت تصرف ادراکی پنج شاخص و کیفیت کالبدی مسکن با سه شاخص مورد ارزیابی قرار گرفتند که با استفاده از نرم‌افزار SPSS.25 این شاخص‌ها و گویه‌ها تجزیه و تحلیل شدند. ابتدا سطح امنیت تصرف ادراکی ساکنین محله یوسف‌آباد مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت. برای این تحلیل، از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شد. در جدول خروجی آزمون با توجه به نتایج و سطح معناداری به دست آمده، این نتیجه حاصل شد که سطح امنیت تصرف ادراکی در محله یوسف‌آباد بسیار پایین است و وضعیت مناسبی قرار ندارد. سپس با استفاده از آزمون فریدمن مشخص شد که شاخص احتمال تخلیه در هر لحظه، بیشترین تأثیر و شاخص نگرانی از بی‌خانمانی بعد از تخلیه کمترین تأثیر را در ناامنی تصرف در محله یوسف‌آباد دارند. برای بررسی رابطه بین امنیت تصرف ادراکی و کیفیت کالبدی مسکن در محله، امنیت تصرف ادراکی، با ۳ شاخص کیفیت کالبدی مسکن تک به تک با استفاده از آزمون کروسکال والیس مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج حاصله نشان داد امنیت تصرف ادراکی رابطه معناداری با مساحت سطح زیربنا و رابطه بسیار ضعیفی با نوع مصالح ساختمانی دارد اما با نوع پوشش سقف مسکن هیچ رابطه معناداری وجود ندارد. این بدان معنی است که هر چه فرد احساس امنیت تصرف بیشتری داشته باشد، رغبت بیشتری به افزایش مساحت زیربنای مسکن خود خواهد داشت همان‌طور که میانگین‌ها هم نشان داد با افزایش مساحت سطح زیربنای مسکن، میزان امنیت تصرف ادراکی نیز بیشتر شده است. اما در دو شاخص دیگر شرایط اینگونه نیست و متغیرهای پنهان دیگری نظیر هزینه‌های زندگی و درآمد خانوارها می‌توانند در این مورد تأثیرگذار باشند. میانگین‌ها نیز اعداد بسیار متفاوتی را برای این دو شاخص نشان می‌دهند و مساکن با مصالح و پوشش سقف آجر و آهن که در زمره مصالح با دوام قرار می‌گیرند، از امنیت تصرف پایینی برخوردارند و می‌توان گفت که رابطه معناداری بین امنیت تصرف ادراکی و کیفیت کالبدی مسکن در محله یوسف‌آباد وجود ندارد. همان‌طور که در پیشینه تحقیق اشاره شد، در نتیجه مطالعه دی سوزا به نبود تأثیر امنیت تصرف در بهبود فیزیکی مسکن اشاره شده است که شاخص‌های تحقیق متفاوت با شاخص‌های این پژوهش می‌باشد اما نتایج به دست آمده همسو و هم‌جهت با نتیجه این پژوهش است. همچنین محققانی چون وان گلدر، لوک، زنگنه و حسین‌آبادی، داداش‌پور و علیزاده به وجود رابطه معنادار بین امنیت تصرف و کیفیت مسکن اشاره می‌کنند که با وجود یکسان بودن برخی از شاخص‌ها در روند پژوهش، نتیجه تحقیقات آنها کاملاً غیر همسو و غیر هم‌جهت با این پژوهش است.

ارائه پیشنهادات

- تخصیص وام های با شرایط ویژه مختص ساکنان بافت های حاشیه شهری جهت ارتقا سطح کیفیت کالبدی و نوسازی بناهای مسکونی
- تشویق ساکنان محله حاشیه‌ای برای تجمیع قطعات با مترآژ و کیفیت پایین سکونتی جهت تجمیع قطعات و ساخت بناهای مشارکتی مستحکم از طریق اهدای وام و تسهیلات نوسازی
- ایجاد مشارکت و همدلی در بین ساکنان محله از طریق مشارکت شهروندان و ساکنان در تصمیم گیری برای ارتقا سطح زندگی در محله
- ایجاد اطمینان و باور در ساکنان محله نسبت به امنیت تصرف در واحدهای مسکونیشان از طریق برآوردن نیازهای اولیه سکونت برای آنها (مانند ارائه خدمات شهرداری ها و ارگانهای شهری در محله)
- همکاری شهرداری با ساکنان محله جهت ایجاد شورای محل برای ارتقا و برآوردن نیاز ساکنان جهت ایجاد امنیت ذهنی
- ایجاد امنیت ذهنی سکونت در ساکنان محله از طریق تبدیل محله به محله پویا به وسیله استقرار کاربری‌های مختلف از جمله بوستان‌ها، پارک‌ها، فضای بازی کودکان و ... در محله
- خودداری دولت و شهرداری از انجام هرگونه اقدامی که باعث کاهش سطح امنیت تصرف در بین ساکنان می‌شود.
- اهدای سند مالکیت برای ساکنان واحدهای مسکونی با شرایط ویژه (واحد دارای بنای مستحکم) مشروط به عدم معامله و فروش این واحدها تا زمانی معین
- توقف خرید و فروش املاک سنددار شده تا زمانی معین برای جلوگیری از سواستفاده سودجویان
- استفاده از روش‌های مالکیت جمعی و مدل‌های اجتماعی محور به جای سند برای قانونی شدن تملک ساکنان



منابع

- اصغری زمانی، اکبر؛ زادولی خواجه، شاهرخ؛ زادولی، فاطمه (۱۳۸۹)، بررسی شاخص‌های مسکن در اسکان غیررسمی مطالعه موردی: محله سیلاب تبریز، نشریه اندیشه جغرافیایی، سال چهارم، شماره هشتم، صص ۴۵-۶۱
- بالازاده احمدیگلو، الهام (۱۳۹۶)، سنجش روحیه کارآفرینانه در ساکنین سکونتگاه‌های غیررسمی مطالعه موردی: آراز علی اردبیل، هادی حکیمی، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی دانشگاه تبریز
- پوراحمد، احمد؛ گروسی، علیرضا؛ نوری، ابوالفضل (۱۳۹۴)، ارزیابی شاخص‌های مسکن شهرستان نظرآباد با رویکرد شهر سالم، فصلنامه برنامه‌ریزی کالبدی-فضایی، سال دوم، شماره چهارم، صص ۲۱-۳۳
- پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۹۲)، برنامه‌ریزی مسکن، انتشارات سمت، چاپ یازدهم، تهران
- پورموسوی، موسی؛ معصومی، سلمان (۱۳۸۹)، ساماندهی و توانمندسازی محله‌های آسیب‌پذیر با تاکید بر نقش مدیریت شهری، ماهنامه شهرداری‌ها، سال ۱۱، شماره ۹۹، صص ۳۲-۴۰
- توفیق، فیروز (۱۳۸۲)، برنامه‌ریزی مسکن، مجموعه مقالات آموزشی برنامه‌ریزی مسکن، سازمان ملی زمین و مسکن، تهران.
- حاتمی‌نژاد، حسین؛ میره، محمد سیف‌الدینی، فرانک (۱۳۸۵)، بررسی شاخص‌های مسکن غیررسمی در ایران نمونه موردی: محله شیخ آباد قم، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۸، صص ۱۲۹-۱۴۵
- حاج یوسفی، علی (۱۳۸۲)، پدیده حاشیه‌نشینی شهری قبل از انقلاب، مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، جلد اول، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، صص ۱۷۷-۲۰۶
- حبیبی، کیومرث؛ احمدی، بهمن؛ رحیمی، آرمان (۱۳۹۲)، نقش امنیت تصرف بر کیفیت کالبدی مسکن در سکونتگاه‌های غیررسمی نمونه مورد مطالعه محله اسلام آباد ۲ شهر ارومیه، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، سال اول، شماره ۱، صص ۲۹-۴۶
- حکمت‌نیا، حسن، موسوی، میر نجف؛ زرافشان، عطالله (۱۳۸۴)، بررسی و تحلیل شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در شهر تفت و برنامه‌ریزی آتی آن، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال سوم، شماره پنجم، صص ۱۲۵-۱۴۲
- داداش‌پور، هاشم؛ علیزاده، بهرام (۱۳۸۹)، رابطه بین امنیت تصرف و کیفیت مسکن در سکونتگاه غیررسمی اسلام‌آباد شهر تهران، هویت شهر، سال پنجم، شماره ۷، صص ۳۱-۴۲
- ریاحی، وحید؛ کاویانی راد، مراد؛ عمیدی، شیوا؛ صالحی، سجاد (۱۳۹۵)، بررسی اسکان غیررسمی در حوزه‌های روستایی پیرامون کلانشهرها نمونه موردی کرج، هفت شهر، دوره ۲، شماره ۵۳ و ۵۴، صص ۳۶-۵۳
- زنگنه، یعقوب؛ حسین‌آبادی، سعید (۱۳۹۳)، تحلیلی بر امنیت تصرف ادراکی و نقش آن در توانمندسازی و کیفیت مسکن سکونتگاه‌های غیررسمی، نمونه موردی: قلعه نو دهرآز سبزوار، فصلنامه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی، سال ۴، شماره ۴، صص ۱۷۸-۱۵۷
- سجادی، ژیلدا؛ واحدی یگانه، فرید؛ محمدی، اکبر (۱۳۹۷)، سنجش ارتباط کیفیت کالبدی مسکن با امنیت تصرف در سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری مطالعه موردی: ناحیه منفصل شهری نایسر سنج، فصلنامه مطالعات ساختار و کارکرد شهری، سال ۵، شماره ۱۶، صص ۸۳-۱۱۰
- سرایی، محمدحسین (۱۳۹۱)، تطور سکونت شهری از مجموعه‌های فامیلی (محله ای) تا بلوک‌های اپارتمانی (تفاوت‌های اساسی خانه و مسکن در شهر یزد)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال سوم، شماره دهم، صص ۳۳-۴۲
- سینجر، پل (۱۳۵۸)، اقتصاد سیاسی شهرنشینی، ترجمه مهدی کاظمی بیرجندی و فرخ حسامیان، نشر ایران
- صرافی، مظفر (۱۳۸۲)، بازنگری اسکان خودانگیخته در ایران، در جستجوی توانمندسازی، در حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی. مجموعه مقالات، دانشگاه علوم بهزیستی، جلد دوم
- صنوبری، عاطفه (۱۳۹۷)، سنجش وضعیت سرمایه اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی میان‌دوآب مطالعه موردی ولی‌آباد، هادی حکیمی، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز

- طبیبیان، منوچهر؛ احمدی، بهمن(۱۳۹۶)، تحلیلی بر رابطه بین امنیت تصرف و سرمایه‌گذاری در مسکن در سکونتگاه‌های غیررسمی، نمونه موردی: محله کشتارگاه شهر ارومیه، نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، دوره ۱۰، شماره ۱۹، صص ۲۰۷-۲۱۵
 - غضنفرپور، علیمراد، معصومه، حسین؛ کمانداری، محسن(۱۳۹۱)، اسکان غیررسمی چالش فراروی شهرها مطالعه موردی شهرک صنعتی کرمان، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا، سال ۲، شماره ۲، صص ۳۱-۴۶
 - کرمی، سروش؛ کرمی، ساناز؛ ذبیحی، حسین، فخرایی، عباس(۱۳۹۳)، بررسی تاثیرپذیری کیفیت مسکن از فاکتورهای امنیت تصرف ادراکی مطالعه موردی: سکونتگاه‌های غیررسمی شهر همدان، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری-منطقه ای، دوره ۴، شماره ۱۳، صص ۱-۲۰
 - ملکی، سعید؛ امان‌پور، سعید؛ زادولی‌خواجه، شاهرخ(۱۳۹۶)، سازمان‌یابی فضایی و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی در کلانشهر تبریز، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، دوره ۵، شماره ۱، صص ۸۷-۱۰۴
 - نجاتی هریس، حبیب(۱۳۸۵)، بهبود کیفیت زیست در اسکان‌های غیررسمی با استفاده از راهبرد توانمندسازی اجتماعات محلی نمونه موردی: محله خلیل‌آباد تبریز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس
 - هادی‌زاده زرگر، صادق؛ مسعود، محمد، هاشمی امری، وحید (۱۳۹۲)، سنجش توسعه یافتگی مناطق شهری اصفهان در بخش مسکن، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال پنجم، شماره هفدهم، صص ۸۵-۱۰۰
-
- Akhter, Ali Mohammad and Kavita Toran, (2004), Migration-Slums and Urban Squatter Amnesty International Publication, London
 - De Souza, F.A.M. (1999). Land Tenure Security and Housing Improvements in Recife, Brazil. Habitat International, 23, 19-23
 - Jenkins, P (2001), Strengthening Access to Land and Housing for the Poor in Maputo Mozambique, International Journal of Urban and Regional Research, 23(3).
 - Luke, K. (2011). Informal Settlers, Perceived Security of Tenure and Housing Consolidation: CASE STUDIES URBAN FIJI
 - Nakamura, S. (2016 b). "Revealing Invisible Rules in Slums: The Nexus Between Perceived Tenure Security and Housing Investment", Habitat International, 53, 151-162
 - Srinivas, H. (2006), Defining Squatter Settlement. Habitat International, P1
 - 31-UN- Habitat (2003), The Challenge of Slums, Local Report of Human Settlements, London, Earth Scan Publication
 - 32-Van Gelder, J.L. (2007), Quantifying The Relationship Between Perceived Tenure Security and Housing Improvement in an Informal Neighborhood in Buenos Aires. Habitat International, 31, 219-231